



چهره-۱۰

**محدثه واعظی‌پور** روزنامه‌نگار

به بهانه بازگشت مجید انتظامی پس از ۱۰ سال به سینما با موسیقی «مجنون»

## بازگشت ستاره

خبر حضور مجید انتظامی در چهل و دومین جشنواره فیلم فجر به سرعت فضای رسانه‌ای را تسخیر می‌کند و این نشان‌دهنده اهمیت حضور او به عنوان یک موسیقیدان و آهنگساز برجسته است. بیش از هر اتفاق دیگری که مربوط به جشنواره امسال و حواشی‌اش باشد، رسانه‌ها به این موضوع می‌پردازند که پس از سال‌ها، انتظامی با «مجنون» (مهدی شامحمدی) به جشنواره فیلم فجر می‌آید. تمرکز بر نام او و تأکید بر جای خالی‌اش در این سال‌ها، نشان‌دهنده محبوبیت و جایگاه حرفه‌ای این آهنگساز است. انتظامی در یک‌دهه اخیر، دلزده از فضای کاری، از سینما دور بوده و برای فیلمی موسیقی نساخته، اما این عزت‌خودخواسته و پرهیزگاهانه، باعث فراموشی نشده و نامش همچنان در سینمای ایران و در حوزه موسیقی درخشان است و جای خالی‌اش آنچنان مشهود و مهم که خبر حضورش در جشنواره، موج به وجود می‌آورد و وایرال می‌شود.

مجید انتظامی یکی از مهم‌ترین آهنگسازان سینمای ایران بومیزه در سال‌های پس از انقلاب است، ویژگی منحصربه‌فرد کارنامه او این است که موسیقی‌هایش به دل جامعه آمده، توسط مردم شنیده شده و به قلب آنان راه یافته است. به قلمبان که رجوع کنیم، به‌جز موسیقی بارها شنیده‌شده «از کرخه تا رایین» یا «بوی پیراهن یوسف»، بسیاری از آثار شاخص سینمای ایران با او معنا یافته‌اند؛ «دوتل» و «آژانس شیشه‌ای» یا «روز واقعه» که بدون موسیقی‌اش چیزی کم دارد و کامل نیست و «ترن» که بیش از خود فیلم، در تاریخ باقی مانده و ستایش شده است. در آثار او هم می‌توان آثار حماسی دید، هم موسیقی عاطفی و ترازیک. انتظامی بومیزه در موسیقی دفاع مقدس، تلاش کرده مرزهای آشنا را کنار بگذارد و هر بار تجربه‌ای تازه رقم بزند.

انتظامی در دهه ۹۰ کم‌کار شد، اما پیش از آن، ضروری پرزنک در سینمای ایران داشته و قطعاتی که برای فیلم‌های سینمایی ساخته، مورد توجه قرار گرفته است. او یکی از رکوردداران دریافت سیمرغ بلورین است و می‌توان انتظار داشت امسال با «مجنون» دوباره یکی از بخت‌های دریافت سیمرغ بلورین باشد. نخستین فیلم بلند مهدی شامحمدی مستندساز، روایت زین‌الدین از سرداران دفاع مقدس است، با توجه به نوع موسیقی‌های که مجید انتظامی برای آثار جنگی ساخته، می‌توان او را بهترین گزینه برای موسیقی این فیلم دانست. ویدیوی کوتاهی که از روند ساخت موسیقی «مجنون» منتشر شده، نشان می‌دهد که انتظامی این‌بار هم با استفاده از سازهای مختلف، نگاهی روحانی به شخصیت فیلم و فضای اثر داشته است. انتظامی در معدود گفت‌وگوهایش بارها به این موضوع اشاره کرده که علاقه‌اش به رزمندگان باعث شده ساخت موسیقی برای فیلم‌های جنگی را انجام بدهد. گویی که او این کار را ادای دین به قهرمانان وطن می‌داند. او کوشیده در ساخت موسیقی آثار جنگی، تنوع و گوناگونی را تجربه کند و آثارش شبیه هم نباشند. مجید انتظامی در کنار شخصیت ویژه و کارنامه پربارش یادآور نام درخشان عزت‌الله انتظامی است؛ بازیگر محبوبی که فقدانش در سینمای ایران جبران‌ناپذیر بوده، مجید همچون پدر گزیده‌کار و سختگیر است و مانند او به وجهه و اعتبارش اهمیت می‌دهد. این دو نام، در سینمای ایران ماندگار شده‌اند و هر یک دیگری را به ذهن متبادر می‌کنند.

بهروز افخمی، کارگردان «صبح اعدام»

### بچه‌های ایران زمین می‌توانند طیب باشند

حدود ۲۵سال پیش گزارشی در روزنامه کیهان درباره اعدام حاج اسماعیل رضایی و طیب حاج رضایی خواندم و تحت‌تأثیر قرار گرفتم. از همان زمان احساس کردم که این ماجرا، توانایی تبدیل شدن به فیلمنامه‌ها دارد؛ اما در این ۲۵سال انگیزه کافی برای ساختن آن نداشتم. پس از ماجراهای سال گذشته، به ذهنم خطور کرد که هر کدام از بچه‌های ایران‌زمین می‌توانند مانند طیب و حاج اسماعیل باشند. به هر حال خودم چهار فرزند پسر دارم و همواره نگران آنها هستم زیرا سلطنت‌طلب‌های تروریست همان فضایی را که در قبل از انقلاب اسلامی برای سرکوب نظارت‌ها ایجاد کردند، این مدت اخیر هم شروع کرده‌اند. تصمیم گرفتم این داستان را به تصویر بکشم تا فرزندان ایران، مواجه شدن دو مرد با اعدام را ببینند.

مهدی شامحمدی از تجربه کارگردانی «مجنون» به «ایران» گفت:

# پای قهرمانانم روی زمین است

گفت‌وگو-۱۰

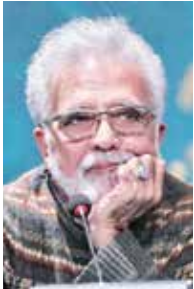
**ترکس عاشوری** خبرنگار

در دوره‌های مختلف شاهد تغییر ادبیات دفاع مقدس متناسب با شرایط زمان بودیم. در دو دهه ۶۰ و ۷۰ به‌دلیل درگیری با مسأله جنگ، سینمای جنگ هم در اوج بود، وجه عرفانی و حماسی داشت و تلاش سینماگران بر این بود که به تقویت روحیه ملی و مشارکت و تعاون اجتماعی علیه دشمن کمک کنند. با فاصله گرفتن از جنگ، سینمای ایران هم از پوسته هیجانی خارج شد و نوبت به بازتاب مشکلات جنگ، قربانیان و بازماندگان آن رسید. در ادامه در برخی آثار گاهی مضامین سیاسی اجتماعی بر روایت سینمای دفاع مقدس نشست و لحن فیلم بیانی اعتراضی گرفت که از نمونه‌های به یادماندنی آن «آژانس شیشه‌ای» است. با گذر زمان سینمای دفاع

مقدس هم متأثر از فضای کلی سینما، به سمت کم‌دی رفت و سعی شد با فضایی دفاع مقدس شوخی شود. چند سالی است که سینمای جنگ بالاخره سراغ سرداران و قهرمانان جنگ رفته است. پس از «ایستاده در غبار» که یکی از نمونه‌های موفق و بارز بود، «موقه‌های مهدی»، «منصور» و «غریب» به زندگی شهید باکری، شهید منصور ستاری و شهید محمد پروچردی پرداخت. نکته جالب اینکه اکثر این آثار توسط فیلمسازان جوان و تازه‌نفس ساخته شده است. اول اینکه به اعتقاد شما آیا نیاز و شرایط زمان باعث شده که فیلمسازان سراغ سرداران ملی بروند؟ و دیگر اینکه به اعتقاد شما دلیل این علاقه‌مندی در فیلمسازان نوظهور چیست؟

البته باید به «آخرین روزهای زمستان» ساخته محمدحسین مهدویان درباره شهید حسن باقری به‌عنوان پلایه‌دار این جریان نیز اشاره کرد که به نظر خیلی درخشان‌تر از «ایستاده در غبار»

**ایران**
*Iran Daily Newspaper*



خیرالله تقیانی پور، کارگردان «قلب رقه»

### آرزو کردیم زنده بمانیم

داستان این اثر کلاری از قصه‌های واقعی بود، شهید سیدرضی در تولید این اثر از روز اول تا پایان خیلی به ما کمک کردند و بعد از شهادت ایشان قرار شد اثر را به او تقدیم کنیم. وقتی وارد سوریه شدیم کشور هنوز بحرانی بود و وقتی وارد حمص شدیم رژیم صهیونیستی شروع به بمباران کرد. خدا را شاکرم که خون از دماغ عوامل نیامد و از آنهایی که امنیت را در سوریه برای ما فراهم کردند به‌خصوص از شهید سیدرضی موسوی که با همه جالش‌ها پشت ما بودند، متشکرم. بزرگ‌ترین جالش، سالم برگشتن به هتل و یک روز دیگر فیلمبرداری بود.

داریم، هنوز همت شناخته نشده، وجوه چمران درست و حسابی معرفی نشده، هنوز خرازی ناشناخته است و هنوز جوان‌ها نمی‌دانند احمد کاظمی کیست؟ احمد کاظمی افسانه‌ای! که واقعاً یک اعجوبه عجیب و غریب بود! البته امسال یک فیلم درباره شهید کاظمی در جشنواره داریم که ربطی به جنگ ندارد. در نهایت تحلیل من این است که این احساس نیاز، این جسات را به فیلمساز نسل جدید داده که به سمت آن حرکت کند و با دریافت بازخورد مثبت این مسیر ادامه یابد.

در جامعه‌ای که به دلایل مختلف دوز سیاست‌زدگی‌اش غالب شده و بخشی از مفاهیم یک جور دافعه ایجاد کرده، اگر بخواهیم این مفاهیم را به بیان متقاعدکننده تبدیل کنیم، هوشمندی و ظرافت خاصی می‌طلبد تا مخاطب را جذب کند. شاید این هم بخشی از تفل در رفتن سراغ سرداران ملی جنگ است.

قطعاً این هم یکی از همان هزاران مشکلی است که باعث شده فیلمسازان نسل قبل سمت این‌گونه کاراکترها نروند که همین مصادره شدن و وجود برخی دافعه‌هاست. نوع ادبیات و چطور بیان شدن هم مهم است. مجموعه این اتفاقات دردسرهایی برای فیلمساز درست می‌کند که طراحی ماچترا را به لقاییش می‌بخشد و انصراف می‌دهد. از این دست موارد بسیار داشتیم که به‌عنوان مثال پروژه فلان با محوریت یک شهید کلید می‌خورد و با وجود صرف هزینه فراوان در پیش‌تولید و باوجود پژوهش زیاد بعد از یک سال متوقف می‌شود و فیلمساز به خاطر همین دست مشکلات انصراف می‌دهد چون متأسفانه سیاستگذار به فیلمساز اعتماد نمی‌کند یا بلد نیست چطور به فیلمساز اعتماد کند و سعی می‌کند آن چیزی را که فکری می‌کند نیاز جامعه‌است در محتوا بگنجانند و فیلمساز نیز می‌داند که این ماجرا بعداً

شما دائم از نسل جوان به‌عنوان

مخاطب فیلم‌تان صحبت

می‌کنید در حالی که به باور

مخاطب گروه دیگری نیز باید

بیننده این دست فیلم‌ها باشد.

بخشی از زندگی مخاطب دهه ۶۰ در همین فضا رقم خورده و مشتاق است وقایعی که مدت‌ها با آن درگیر بوده یا چیزی را که راجع به آن می‌شنیده حالا تصویرش را ببیند اما چرا دائم بر مخاطب نسل جوان تأکید داریم چون این نسل تصور و کنجکاوی چندانی

درباره آن دوران ندارد و این اشتباه و کم‌کاری ما است. اغلب متولذین نیمه ۷۰ به بعد تعهد و نیاز خاصی احساس نمی‌کنند که در این باره جست‌وجو کنند مگر اینکه برای آنها کنجکاوی و جذابیت‌هایی ایجاد شود. برای همین دغدغه من جذب این دسته



از مخاطب است. من دلم می‌خواهد راجع به شهید خرازی فیلم ساخته شود و ببینم، همچنین مشتاق‌ام راجع به محمود کاوه فیلم ساخته شود و ببینم، چون بخشی از زندگی من در دوره‌ای گذشت که این‌آدم‌ها در آن تأثیرگذار بودند و تاریخ آن دوره را رقم

کاوه سجادی حسینی در گفت‌وگو با «ایران» از تجربه کارگردانی «نبودنت» گفت:

# مهاجرت همیشه سوژه فیلم‌هایم بوده است

کاوه سجادی حسینی با ملودرامی زنانه درباره مهاجرت و فروپاشی خانواده به جشنواره فجرآمده است. فیلم «نبودنت» چهارمین اثر این کارگردان است که سابقه دستپاچی نیز در کارنامه‌اش دیده می‌شود.

سحر دولتشاهی، امیرآقایی، آزاده صمدی، فرید سجادی حسینی، رضا بوهودی و... از جمله بازیگران این فیلم هستند. سجادی حسینی که علاوه بر کارگردانی تهیه‌کنندگی فیلمش را هم بر عهده گرفته تا با یک فیلم شخصی به جشنواره بیاید در گفت‌وگو با «ایران» از تجربه ساخت این فیلم گفته است.

از سال ۹۵ یا ۹۶ بحث ساخت فیلم «نبودنت» مطرح بوده است. حتی شنیده می‌شد برای جشنواره ۱۴۰۰دورخیز داشته‌اید. این تأخیر برای ساخت و رساندن فیلم به جشنواره ناشی از چیست؟ پروانه ساخت را دیرتر دریافت کردید یا شرایط ساخت آن را نداشتید؟

ما سال ۹۵ در حال نوشتن فیلمنامه‌ای بودیم با صادق خوشحال که ایشان طرح «نبودنت» را برای من تعریف کرد. آن موقع اسمش را گذاشته بود «آن مرد با ترس آمد» که داستان همان چیزی که مخاطب می‌بیند، هست اما با تغییرات. ا دوست دیگری به نام فرهاد دلارام تیم شدیم و فیلمنامه را در هفت، هشت

ماه نوشتیم. بعد از نگارش فیلمنامه، با سرمایه‌گذار صحبت کردیم اما سرمایه‌چور نشد و کار متوقف ماند. بعد از آن با صادق خوشحال و پیام لاریان فیلمنامه «بی سر» را نوشتیم که طرحش برای خودم بود. سعی کردم فیلم ارزان و کم‌هزینه بسازم که ایده آن از اتودهایی که با شاگردانم در بازیگری می‌زدم، می‌آمد. «بی سر» را سال ۹۷ به تهیه‌کنندگی سمیرا برادری و روح‌الله برادری ساختم که در هنرنویزیه اکران شد اما متأسفانه توفیقی برایش حاصل نشد. «نبودنت» گوشه ذهن من بود تا سال ۱۳۹۹که دوستی، سرمایه‌گذار برای ساخت آن معرفی کرد. در سال ۱۴۰۰ فیلمنامه را بازنویسی و برای گرفتن پروانه ساخت اقدام کردیم. آن زمان خودم درخواست تهیه‌کنندگی دادم

که موافقت شد و شروع به تولید فیلم کردیم.

چگونه به ایده «نبودنت» رسیدید؟ در این مدت که به شرایط مهیا بودید، آیا فیلمنامه تغییر کرد و بازنویسی اتفاق افتاد؟

ایده این اثر برای صادق خوشحال بود و در روند نوشتن تغییر کرد که حس و حال ترس و عشق با هم تنیده شدند متأسفانه توفیقی برایش حاصل نشد. بازنویسی فیلمنامه تا پایان فیلمبرداری ادامه داشت چراکه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یکسری نکات داشت که باید تغییری می‌دادیم و بعد در تدوین تغییراتی ایجاد کردیم تا فیلم را نجات دهیم.

چهارمین اثر شما چه تفاوتی با سه اثر قبلی‌تان دارد؟ (به لحاظ ژانر و قصه) اگرچه در فیلم «شب بیرون» هم اشاره‌ای به مهاجرت برای ادامه تحصیل داشتید.

«نبودنت» قصه‌گوتر است و درام بیشتری دارد. همچنین به لحاظ داستانی، نسبت به آثار قبلی‌ام گره‌گشایی آن بیشتر و بیرونی‌تر است. فیلم «شب بیرون» و «بی سر» رادیکال‌تر و پوفالو شاعرانه‌تر و با «نبودنت» قصه گفتم و لحن و نگاه شاعرانه را رعایت کردم. دوست ندارم بگویم من فیلمساز هنری هستم. تلاش‌م برای این بوده که به درام اجتماعی پایین شهری نگاه دیگری کنم که به معنای بدبختی و

آوار نباشد و در حقیقت علاقه‌مندم بر اساس تصویر صحبت کنم. اینکه یک زن راوی قصه است، در همه آثارم بدین شکل بوده و هر چهار فیلمم کاراکتر زن دارند. این اتفاق هم برمی‌گردد به تأثیر سینمای اروپا و ارتباطات آنچنانی نیز نداشته است. در حقیقت همیشه در آن سینما، زن محور اصلی بوده است. اگرچه کار سختی بوده است. من پیشتر مشاور کارگردان، تدوینگر و تهیه‌کننده بودم، بیشتر از این راه امرار معاش می‌کردم و در تلاش

ترجیح دادید از فیلمسازی دور شوید؟

من دوست دارم هر سه ماه یک‌بار فیلم بسازم چراکه فیلمنامه دارم و دستم تند است. اما قطعاً شرایطش مهیا نبوده، بودجه و سرمایه هم برای گرفتن تأثیر سینمای اروپا من همیشه مستقل بودم و این در شخصیت و کارهایم هویداست. اگرچه کار سختی بوده است. من پیشتر مشاور کارگردان، تدوینگر و تهیه‌کننده بودم، بیشتر از این راه امرار معاش می‌کردم و در تلاش